

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۰۱-۳۳۲

مرزهای پسندیده و نکوهیده رهبانیت مسیحی و اسلامی در روایات فریقین

حسین حیدری*

ابوطالب مختاری**

سید حاتم مهدوی نور***

چکیده

رهبانیت به مفهوم احساس خشیت در برابر خداوند، از ویژگی های جدایی ناپذیر حیات دینی ادیان ابراهیمی بوده است، ولی در مفهوم خاص، نهاد اجتماعی مؤمنانی که از زندگی معمولی جامعه خود دوری گزیده و تحت انضباط خاصی زندگی مشترک داشته اند، از قرن سوم میلادی در بین مسیحیان اشتهار داشته و تا ظهور پروتستانیزم ترویج می شده است. این پژوهش با دسته بندی دو گروه متضادگونه روایات فریقین در تأیید یا رد رهبانیت مسیحی و بررسی سندی و محتوایی آن ها به تحلیل و تبیین نظرگاه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام درباره رهبان مسیحی و خصوصیات زندگی رهبانی اسلامی پرداخته است. برآیند مواضع روایات فریقین نشان داده است از مهم ترین مشخصه های راهبان، عدم ازدواج، مشارکت نکردن در جهاد، تحمل ریاضت و حضور نیافتن در جماعات بوده است. با وجود این، زندگی جمعی رهبانان مسیحی مورد تأیید بوده است؛ گرچه آنان در برخی موارد راه افراط در پیش گرفته اند. پیشوایان اسلام تداوم سبک زندگی مذکور را برای مسلمین توصیه نکرده و به جای تحمل سختی ها و ریاضت های ناشی از دوری از اجتماع، به داشتن احساس خشیت، حضور در عینیت جامعه، عدم وابستگی به دنیا و تحمل سختی های قیام در شب، صیام، جهاد و... برای تهذیب نفس سفارش کرده اند.

کلیدواژه ها: رهبانیت مسیحی، زهد در اسلام، تهذیب نفس، قرآن و رهبانیت، رهبانیت در احادیث.

* دانشیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان / heydari@kashanu.ac.ir

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، نویسنده مسئول / tahamokhtary@gmail.com

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، شهر ری / hmahdavinoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱

۱. مقدمه

راهب (جمع: رهبان، رهابین) در اصطلاح به عابدانی گفته می‌شود که از مردم کناره‌گیری کرده و در عبادتگاهی خاص به نام دیر، صومعه یا کنیسه به عبادت مشغول شده‌اند، به طوری که اثر این عبادت در چهره آنان نمایان است. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۴) این پدیده از زمان‌های گذشته رایج بوده است. در احادیث اسلامی برای افرادی پس از دوره حضرت ابراهیم علیه السلام لفظ راهب به این معنا به کار رفته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۰) ولی رهبانیت که به معنای در پیش گرفتن طریق زهد در مکانی خاص به دور از خانواده و اجتماع تعریف می‌شود، بیشتر مختص مسیحیان بوده است. (مهدی‌زاده، ۱۳۶۸ش، ص ۱۶۹) با اینکه محققان شروع زندگی رهبانی را در میان مسیحیان از اواخر قرن سوم به بعد گزارش می‌کنند، قرآینی مبنی بر وجود رهبانیت به معنای زهد همراه ریاضت و انزوا از مردم و اجتماع، زمان‌های قبل از مسیح در میان بودائیان و عده‌ای از یهودیان از برخی فرق آنان مثل اسینیان ارائه می‌دهند. در آثار مسیحیان یحیی پیامبر را یک راهب زاهد می‌دانند که تعمیم می‌داده است. (ناس، ۱۳۸۶، ص ۵۵۳، ۵۸۰، ۵۸۴ و ۶۳۹)

با گسترش رهبانیت پس از قرن سوم میلادی و به‌ویژه شکل جمعی آن در جوامع شرقی و غربی، سرزمین حجاز هم از وجود راهبان مسیحی بی‌بهره نبوده است. در متون اسلامی یکی از منافقان مخالف پیامبر یعنی «عمرو (عبد عمرو) بن صیفی بن نعمان بن مالک» را ابوعامر راهب می‌نامند، زیرا او مسیحی بوده، لباس پشمینه می‌پوشیده است. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۱۰)

گرچه در زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله طریق ریاضت در میان مسلمین رواج پیدا نکرد، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تعداد کسانی که به گوشه‌گیری و ریاضت روی آوردند زیاد شد. از اواخر قرن اول هجری، گرایش رهبانیت در میان مسلمانان شدت بسیار یافت؛ چنان‌که کتابی به نام *الراهب و الراهبه* به «حسن بن راشد» یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۷)

با توجه به رواج رهبانیت در بین مسیحیان، از همان صدر اسلام در قرآن و روایات اسلامی اصطلاح رهبانیت و مفاهیم مشابه همچون ریاضت، کاربرد نسبتاً گسترده‌ای

یافت و با توجه به اهمیت آن، عالمان مسلمان نسبت به آن موضع گرفته، بعضی با آن موافقت و بعضی دیگر با آن مخالفت کرده‌اند.

این پژوهش با بررسی جامع در روایات مربوط به این موضوع و سیرهٔ اهل بیت پیامبر ﷺ به‌عنوان هدایتگران الهی و مفسران والای قرآن در رویارویی با مفهوم رهبانیت و راهبان عصر خویش، و کاوش در اعتبار سندی روایات و تحلیل محتوای آن‌ها، برای یافتن واقعیت رهبانیت پسندیده از جهت آموزه‌های دینی، گامی تازه پیموده است.

پیش از ورود به بحث اصلی در این بخش رهبانیت در قرآن، پیشینهٔ بحث و معنای واژهٔ رهبانیت به‌اختصار خواهد آمد.

۱-۱. قرآن و رهبانیت

از دوازده مورد کاربرد این واژه در قرآن، هشت مورد ناظر به معنای لغوی رهبت یعنی ترس است که چهار مورد به ترس از خدا (بقره: ۴۰؛ اعراف: ۱۵۴؛ نحل: ۵۱؛ انبیاء: ۹۰) و چهار مورد به ترس از مخلوقات (اعراف: ۱۱۶؛ انفال: ۶۰؛ قصص: ۳۲؛ حشر: ۱۳) اشاره دارد. در چهار آیه نیز به معنای رهبانیت اصطلاحی اهل کتاب که سه مورد با واژهٔ «الرهبان» (مائده: ۸۲؛ توبه: ۳۱ و ۳۴) و یک مورد با واژهٔ «الرهبانیه» است (حدید، ۲۷)، اشاره شده است.

در قرآن کریم در یک جا از راهبان مسیحی به نیکی یاد می‌شود و در جای دیگر از بسیاری از آنان به بدی یاد می‌شود، در یک مورد نیز با تأیید ضمنی پدیدهٔ رهبانیت به عدم رعایت حدود آن توسط مسیحیان اشاره دارد:

الف. در آیهٔ ۸۲ سورهٔ مائده می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ.»

خداوند در قبال یهودیان که آنان را در کنار مشرکان دارای دشمنی سخت نسبت به مؤمنان معرفی می‌کند، مسیحیان را در دوستی به مسلمانان نزدیک‌تر دانسته و دلیل آن را وجود راهبان و کشیشانی می‌داند که استکبار نمی‌ورزند. آیات بعدی مسیحیانی را که تواضع و محبت الهی آنان مایهٔ اشک ریختن در برابر شنیدن آیات الهی و یافتن حقیقت است توصیف می‌کند که دعای آنان این است که از شاهدان بر حق باشند و

دلیل ایمانشان این است که به زمره صالحان ورود یابند. (مأنده: ۸۳-۸۴)

اگرچه شأن نزول آیات ۸۲-۸۴ سوره مائده مربوط به نجاشی است (نک: قمی ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۶۲) ولی با توجه به اعتبار عمومیت لفظ سایر مسیحیان مؤمن و حق‌پذیر را نیز شامل می‌شود. بر اساس این آیه، راهب واقعی حق‌پذیر است و در برابر خدا فروتن و تسلیم است و بنابراین اگر این صفات در راهب نباشد، از حقیقت رهبانیت دور شده است. دوستی و محبت آنان به مسلمانان نتیجه همان حق‌پذیری و عدم تعصب آنان است.

ب. سیاق آیات ۳۰ تا ۳۵ سوره توبه هشدار خداوند به امت پیامبر ﷺ است که با عبرت از حوادث جاری در میان یهودیان و مسیحیان دچار انواع شرک اعتقادی یا طاعتی نشوند. در آیه ۳۱ سوره توبه می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ.» آیه مذکور ذم راهبان نیست بلکه ذم مردمی است که بیش از اندازه به آنان توجه کرده، مقام آنان را بالا برده‌اند. آیه هشدار می‌دهد که شأن دانشمندان و راهبان در حدی نیست که اطاعت مطلق از آنان واجب باشد و ارباب شما در برابر خدا باشند.

در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، به تمام مؤمنان این چنین هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتَنُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.» (توبه: ۳۴)

مضمون این آیات نیز ذم رهبانیت نیست، بلکه می‌فرماید رهبانیت شأن اجتماعی و دینی به افراد می‌دهد و بعضی از افراد از این مقام سوء استفاده می‌کنند. بیشتر راهبان به دلیل سوء استفاده از منصب دینی برای رسیدن به مقاصد دنیوی مذمت شده‌اند و نه تمام آنان؛ یعنی تعداد کمتری از آنان از نیت‌های بد دور و دارای اهداف پسندیده در رهبانیت هستند. در آیه یادشده واژه «کثیر» نشان می‌دهد تعداد کمتری از دو گروه دانشمندان و راهبان مذموم نیستند.

ج. در آیه «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيهٖ اتَّبَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِنَّ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ

فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید: ۲۷) ابتدا از عنایت خاص الهی به پیروان واقعی عیسی علیه السلام که دل‌های رئوف و مهربانی دارند، حکایت دارد، ولی قسمت دوم آیه با داشتن وجوه گوناگون تفسیری در موارد زیر می‌تواند هم مدح و هم ذمّ باشد:

۱. نوع حرف «واو» در عبارت «وَرَهْبَانِيَهٗ اِبْتَدَعُوْهَا» که حرف عطف است و یا استیناف؛

۲. حرف «الّ» در عبارت «مَا كَتَبْنَا عَلَیْهِمْ اِلَّا اِيتِغَاءَ رِضْوَانِ اللّٰهِ» مربوط به استثنای متصل است یا استثنای منقطع.

اگر «واو» حرف عطف باشد، یعنی در دل آنان محبت رهبانیت را نیز قرار دادیم، این مدح رهبانیت است. اگر «الا» استثنای متصل باشد، یعنی رهبانیت ابداعی آنان بر اساس کسب رضای خدا نبوده و این مذمت راهبان مسیحی است. ولی در نظر بیشتر مفسران، در هر دو مورد، معنای دوم صحیح‌تر است؛ یعنی رهبانیت به رأفت و رحمت عطف نشده است، بلکه ابداع این پدیده از ویژگی‌های مسیحیان پیرو حضرت عیسی علیه السلام است و «الا» استثنای منقطع است؛ یعنی نیت آنان از این اختراع کسب رضایت خدا بوده است. بنابراین خدا از نیت خوب آنان خبر داده، ولی با عبارت «فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا» آن‌ها را مذمت کرده است که حدود رهبانیت را به جا نیاوردند و به انحراف این سنت از مسیر صحیح خود اشاره کرده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۸۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۴۷۳-۴۷۴) چون سیاق آیه مدح است احتمالش کم است که «الا» متصل باشد و دلالت بر ذمّ رهبانیت باشد؛ با این حال بر فرض هم ذمّ باشد، رهبانیتی که بر کسب رضای خدا بنا نهاده شده در آیه مذمت شده است و لذا نفی کلی آن نیست.

بیشتر اندیشمندان اسلامی ذیل آیه شریفه، رهبانیت را از سنت‌های الهی، مورد رضایت خدای تعالی دانسته‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۹، ص ۱۷۳) که در میان مسیحیان مطلوب بوده است ولی پیروان مسیح آن رهبانیت را از حد آن بیرون برده، به انحراف کشانده‌اند. به همین دلیل، اسلام بشدت آن را محکوم کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۳، ص ۳۸۴-۳۸۵)

۲-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص رهبانیت و رابطه آن با اسلام پژوهش‌هایی انجام شده است که موضوع چهار مقاله ذیل از جهاتی به پژوهش پیش رو نزدیک‌تر است:

۱. برآیند مقاله آل رسول و مسجدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «قرآن از نگاه دیگر: رهبانیت از منظر قرآن» این است که در قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت (علیهم‌السلام) رهبانیت به معنای ترک دنیا و جدایی و بیگانگی از اجتماع به شدت نفی شده است.

۲. تحقیقات موسوی و فنایی اشکوری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ریاضت و حدود مشروع آن در احتجاجات معصومین (علیهم‌السلام) با متصوفه زمانشان» نشان می‌دهد ریاضت در شکل صحیح آن لازمه شریعت و اصلی اجتناب‌ناپذیر برای خروج از منزل نفسانی و ورود به کوی ربانی است، و تفاوت رهبانیت جاهلانۀ صوفیانه با ریاضت مطلوب در انگیزه‌ها و ابعاد ریاضت است و اولویت احکام اجتماعی اسلام مانع از رویکرد رهبانیت فردگراست.

۳. فتاحی و پازوکی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «رهبانیت در گستره روایات»، روایات را به دو دسته ناظر به نفی و اثبات رهبانیت تقسیم کرده و از آن نتیجه گرفته‌اند که دو نوع رهبانیت ممدوح و مذموم وجود داشته است. اعتکاف، زهد، عزلت (با شرایط خاص) و جهاد با نفس انواعی از رهبانیت معتدل و مثبت است.

۴. ناصری و احمدپور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ریاضت: اقسام، مراتب و درجات آن» ریاضت را به دو نوع مشروع و غیرمشروع تقسیم کرده و ریاضت مشروع را برای تهذیب نفس ضروری دانسته و رهبانیت را (به صورت انحرافی آن) ریاضت غیرمشروع شمرده‌اند.

این پژوهش در تکمیل پژوهش‌های یادشده به شیوه توصیفی تحلیلی با نگاهی جامع‌تر به روایات اسلامی و بررسی سند و محتوای آن‌ها به ارزیابی معنای رهبانیت سنتی کاتولیک و ارتدکس* و کشف واقعیت رهبانیت پسندیده پرداخته است. تفاوت پژوهش حاضر نسبت به موارد یادشده تأکید بر واژه و اصطلاح «رهبانیت» در آموزه‌های اسلامی فارغ از مفاهیم مشابه مثل زهد، ریاضت و عزلت از سویی و مراجعه

به منابع روايي بيشتر از فريقيين و اعتبارسنجي سندی دلالي روايات از سوی ديگر است؛ به طوري که بحث رهبانيت از روايات به صورت نظام مند ارائه شده است.

۳-۱. بررسی واژگانی رهبانيت

رهبانيت از ماده «ر ه ب» در فرهنگ‌های لغت با تعبير «رِهَبْ يَرِهَبُ رِهْبَةً، رُهْبَاءُ وَ رَهْبًا» آمده است. آمدن رِهْبَةً پس از رَغْبَةً در آيه «وَ يَدْعُونَنَا رَغْبًا وَ رَهْبًا» (انبيا: ۹۰) معنای لغوی آن را (ترس و خشيت الهی در برابر اميدواری) نشان می‌دهد. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «لَا تَجْتَمِعُ الرَّغْبَةُ وَ الرَّهْبَةُ فِي قَلْبٍ إِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْخَبْرُ». (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۹) در دعایي از آن حضرت آمده است: «وَ الْجَاثُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً وَ رَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ». (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷۶) «راغبين» و «راهبين» نیز در برخی از ادعیه در کنار يکديگر ذکر شده است. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۲) بر این اساس دو واژه «رِهْبَةً» و «رَغْبَةً» شبيه «خوف» و «رجاء» هستند.

عسکری با ارائه دو شاهد، معنای «رِهْبَةً» را علاوه بر خوف با طولانی بودن نیز همراه می‌کند و «رِهْبَةً» را خوف و ترس مستمر می‌داند و می‌گوید بدین دلیل به راهب، راهب گفته می‌شود که خوف (الهی) را ادامه می‌دهد. وی به نقل از علی بن عیسی، رهبیت را خوفی می‌داند که بر پایه قانونی باشد، همان طور که رغبیت همان سلامتی از ترس‌ها با حصول فایده‌ای همراه است، خوف با شک به وقوع ضرر همراه است و رهبیت همراه علم به فلان قانون انجام می‌شود و اگر آن قانون نباشد وقوع نمی‌یابد. (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۶)

جمع راهب، رُهْبَان، رَهَابِيْنُ وَ رَهَابِيْنَةٌ وَ الرَّهْبَانِيَّةُ است. الرَّهْبَانِيَّةُ را به الرَّهْبَانِيَّةُ منسوب می‌دانند که به قولی، افراط در ظاهر شدن آثار تعبد بر اثر زيادی ترس الهی در فرد است و به قولی مانند «ترهب» که بيشتر به معنای تعبد است، به معنای دوری از مردم (در صومعه‌ها یا کوه‌ها به منظور عبادت) نیز هست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۳۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۷۵) به هر حال تمام معانی از ترس ناشی می‌شود.

طبرسی همچون شیخ طوسی در تعريف رهبانيت می‌نویسد: رهبانيت خصلتی و نوعی از عبادت است که در آن معنای خوف و ترس ظاهر می‌شود یا در کلیسا(یا

لباس خاص آن) یا در حال تنهایی یا غیر این‌ها از اموری که در آن تعبّد صاحبش ظاهر می‌شود. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۳۶)

طباطبایی در *المیزان* می‌گوید: واژه رهبانیت از ماده «رهبت» به معنای خشیت و ترس است و در اصطلاح، بر ترک دنیا اطلاق می‌شود به اینکه کسی رابطه خود را از مردم قطع کند و پیوسته به عبادت خدا بپردازد و انگیزه‌اش از این کار، خشیت از خدا باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۹، ص ۱۷۳)

با توجه به اقوال پیش گفته، «رهبت» ترسی است مستمر که خاستگاه آن اعتقادات صحیح راهب است و بسته به نوع مراتب آن، تواضع، انقطاع از دنیا به سوی خدا، تقوا، ورع و... را در پی دارد.

۲. رهبانیت در روایات اسلامی

در روایات، گستره مباحث مربوط به رهبانیت، مصادیق آن و نمونه‌هایی از راهبان واقعی و راهبان دروغین و برخورد آنان با پیامبر ﷺ اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه ده‌ها روایات را در بر دارد.

گاهی در روایات بر مؤمنان زاهد قبل از حضرت عیسی علیه‌السلام نیز راهب اطلاق شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۰ و ۳۴۲، ج ۱۴، ص ۴۲) بنابراین رهبانیت دست‌کم از زمان بنی‌اسرائیل مطرح بوده است.

به‌طور کلی روایات در این موضوع دو گونه است: الف. روایاتی که بر مدح رهبانیت دلالت دارد؛ ب. روایاتی که در آن‌ها رهبانیت نکوهش شده است.

حال در احادیث ناظر بر مدح رهبانیت یا لازم است فقط معنای لفظی آن یعنی خوف و ترس از خداوند را در نظر گرفت تا نسبت به احادیث ذمّ رهبانیت که دلالت بر رهبانیت انحرافی مسیحی دارد، رفع تناقض گردد (فاریاب، ۱۳۸۷ش، ص ۹۳-۱۰۶) یا سزاوار است درباره مفهوم دقیق‌تر رهبانیت و مصادیق آن تأمل کرد که دومی شایسته‌تر است. البته بررسی سندی احادیث هم به نتیجه‌گیری صحیح‌تر کمک می‌کند.

با کاوش در مجامع روایی فریقین در خصوص رهبانیت و راهبان می‌توان نظام موضوعی روایات و گونه‌شناسی آن‌ها را در این بحث بدین صورت تقسیم‌بندی و بررسی کرد:

۲-۱. نفی رهبانیت از شریعت پیامبر خاتم

در روایات بسیاری، رهبانیت از ویژگی‌های پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) دانسته شده که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آن را از شریعت اسلام زدوده است.

۲-۱. بنا بر روایاتی در مورد عثمان بن مظعون در کتب حدیثی شیعه این صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از فوت پسرش، به دلیل غم و ناراحتی در خانه ماند و به عبادت مشغول بود. همسرش از او نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکایت کرد. بر اساس نقل کلینی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عصبانیت کفش‌هایش را برداشت و به سوی عثمان خارج شد. وقتی به او رسید که مشغول نماز بود و با حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نماز دست کشید. پیامبر به او فرمود: «یا عُثْمَانُ لَمْ يَرْسَلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصْوَمُ وَ أَصَلِّي وَ أَلْمَسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي وَ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۴)؛ ای عثمان خدا مرا با رهبانیت مبعوث نکرده است ولی مرا با دین حنیف آسان و پاک فرستاد، روزه می‌گیرم و نماز می‌خوانم و با همسرم نزدیکی دارم. هرکس دین فطری مرا دوست دارد باید به سنت من پایبند باشد و از سنت من ازدواج است.

بررسی سندی

سند حدیث یادشده در کتاب *الکافی* چنین است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» چون سند حدیث متصل است و راویان سندش هم ثقة هستند، حدیث صحیح است. علامه مجلسی با توجه به سهل بن زیاد آدمی، آن را ضعیف علی‌المشهور می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۰۲) ولی چون دلایل تضعیف سهل بن زیاد توسط برخی جالیان چندان متقن نیست (نک: بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۲۱-۲۹) می‌توان حدیث یادشده را صحیح و معتبر دانست.

۲-۲. بر اساس نقل صدوق، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از اطلاع از خانه‌نشینی عثمان برای عبادت به سبب مرگ پسرش و سختی مصیبتش، به او می‌فرماید: «یا عُثْمَانُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۶۶)؛ ای عثمان خدای تبارک و تعالی بر ما رهبانیت را واجب نفرمود، رهبانیت امت من فقط جهاد در راه خداست.

بررسی سندی

چون زنجیرهٔ راویان سند حدیث به انس بن مالک صحابی رسول خدا ﷺ می‌رسد و در کتب اصیل شیعه به ضعف و جرح وی تصریح شده (نک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۹۰) و عبدالله بن وهب بصری و ثوبان بن مسعود هم مجهول هستند، از طرف شیعه حدیث ضعیف و مجهول است، ولی اهل تسنن تمام صحابه را عادل و مورد اعتماد می‌دانند و بنابراین از طرف آنان انس ثقه است. (نک: بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۸۸؛ ابن حبان، ۱۳۹۵ق، ج ۳، ص ۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۹) ولی حدیث از نظر اهل تسنن هم ضعیف است؛ زیرا چون در کتب رجالی اهل تسنن ثوبان بن مسعود از سوی منکر الحدیث شمرده شده و از سوی ثقه محسوب شده است و در نهایت ابن حجر هم در مورد وی سکوت کرده و مجهول است. (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۱)

بدیهی است انتقال احادیث راویان اهل تسنن به مجامع حدیثی شیعه اغلب به دلیل وجود قراین صدق محتوا نزد محدثان شیعه بوده است و لذا آن احادیث را در تأیید مطالب خویش بیان می‌کردند.

محتوای دو حدیث یادشده نشان می‌دهد اسلام با رهبانیت به مفهوم کناره‌گیری از حضور مؤثر در اجتماع به شدت مخالف است.

۱-۲. محمدباقر مجلسی بابی تحت عنوان «النهی عن الرهبانی، و السیاح، و سائر ما یأمر به أهل البدع و الأهواء» در بحار الانوار گشوده و پس از بیان آیات یادشده، به ۱۵ حدیث از اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند. حدیث یادشده از *مالی صدوق*، اولین حدیث این باب است. از نامگذاری این باب روشن است که مجلسی رهبانیت را از امور اهل بدعت و پیروان خواهش‌های نفسانی می‌داند و مراد او رهبانیت انحرافی مسیحی است. ایشان احادیث ۱۱ و ۱۳ این باب را در مذمت مسلمانان صوفی مسلک زمان اهل بیت علیهم السلام که با آن بزرگواران مباحثه می‌کردند، نگاشته است که نشان می‌دهد در نظر او انحراف متصوفهٔ مسلمان شبیه راهبان مسیحی بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۲۱-۱۲۸) مجلسی حدیث دوم این باب را از *خصال صدوق* اینچنین نقل می‌کند: حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «لَیْسَ فِی أُمَّتِی رَهْبَانِیَّةٌ وَ لَا

سِيَاحَةٌ وَ لَأَ زَمٌّ يَعْْنِي سَكُوتٌ» (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۱۵)؛ در امت من رهبانیت و سیاحت و زم یعنی سکوت نیست.

بررسی سندی

سند حدیث در *خصال صدوق* چنین است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنَ الصَّفَّارُ عَنْ أَبِي الْجَوَّزَاءِ الْمُنبِّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ». اگر از عامی بودن حسین بن علوان چشم‌پوشی کنیم و سخن رجالیانی که او را ثقة دانسته‌اند بپذیریم (نک: خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۱)، این حدیث از جهت سندی موثق و در نتیجه معتبر خواهد بود.

۱-۲-۴. مجلسی در حدیث دهم از باب یادشده از کتاب *مسائل علی بن جعفر* نقل می‌کند که ایشان از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا برای مرد مسلمان سزاوار است دست به سیاحت بزند، یا رهبانیت اختیار کند و در خانه‌ای بنشیند و از آن خارج نگردد؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: نه. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۱۹)

بررسی سندی

رجالیان بر وثاقت و جلالت علی بن جعفر و تألیف کتابی اینچنین اتفاق نظر دارند. گرچه برای برخی از رجالیان صحت طرق موجود به کتاب اثبات نشده است، بیان صحت آن توسط برخی دیگر مثل آیت‌الله خویی برای اثبات اعتبار حدیث کفایت می‌کند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۳۰)

از احادیث یادشده روشن می‌شود که دو نوع رهبانیت مذموم در آن زمان شایع بوده است: رهبانیت ثابت که شخص از منزل و یا دیر و صومعه خارج نمی‌شده است و رهبانیت سیار که شخص زندگی خانه به دوش داشته و در جاهای دوردست زندگی می‌کرده است که در زبان روایات «سیاحه» نام دارد. هر دو به‌نوعی فرد را از وظایفش در قبال جامعه و زندگی صحیح اجتماعی دور کرده است؛ لذا هر دو مورد در روایات مردود است.

۱-۲-۵. برقی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا ص شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ

خَلَعَ الْأَنْدَادِ وَالْفِطْرَةَ وَالْحَنِيفِيَةَ السَّمْحَةَ لَا رَهْبَانِيَةَ وَلَا سِيَاحَةَ...» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷)

بررسی سندی

همان طور که مجلسی اشاره کرده، این حدیث به دلیل مشخص نبودن راوی اصلی از امام صادق علیه السلام مرسل و در نتیجه ضعیف است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۸۹) از جهت محتوا به نظر می‌رسد چون سیاحت بعد از رهبانیت ذکر شده است، مراد از رهبانیتی که در شرایع نیست، همان کناره‌گیری از مردم و عزلت است. مجلسی اشاره دارد که اگر در معنای این حدیث توحید و اخلاص و... بدل و بیان شرایع باشد، برای عبارت «لَا رَهْبَانِيَةَ وَلَا سِيَاحَةَ» این اشکال هست که مشهور است که نفی سیاحت و رهبانیت از ویژگی‌های شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله است مگر اینکه پاسخ داده شود که معنای عبارت در حدیث این می‌شود که رهبانیت و سیاحت در آن شریعت و سایر شرایع واجب نبوده است (و چه بسا مستحب بوده است) و یا اینکه در هیچ شریعتی وجود نداشته است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۸۹-۹۰)

احتمال تفسیری اول مجلسی بهتر است؛ زیرا تفسیر دوم با احادیث و قراین دیگر متعارض است، مثلاً در وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری که ابوالأسود دؤلی از او نقل کرده، آمده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ع بِالرَّهْبَانِيَةِ وَبُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَةِ السَّمْحَةِ وَحُبِّبَ إِلَى النِّسَاءِ وَالطَّيِّبُ جُعِلَتْ فِي الصَّلَاةِ قُرَّةَ عَيْنِي.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۸)؛ ای ابوذر بی‌تردید خدا حضرت عیسی را با رهبانیت مبعوث کرد و من با دین حنیف فطری پاک (و آسان) فرستاده شدم، زنان و بوی خوش محبوب من است و نماز نور چشمم قرار داده شده است.

حدیث یادشده از ابوذر از جهت سندی ضعیف است؛ زیرا برخی راویان سند آن مثل محمد بن عبدالله ابوالمضل شیبانی، رجاء بن یحیی عبرتائی محمد بن حسن بن شمعون و عبدالله بن عبدالرحمن اصم و به‌ویژه دو راوی اخیر ضعیف شمرده شده‌اند. (به ترتیب نک: خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۱۹۲-۱۹۳، ج ۸، ص ۱۲۷، ج ۱۶، ص ۱۸۴-۱۸۹ و ج ۱۱، ص ۱۹۸-۱۹۹)

به هر حال، اگر محتوای حدیث اخیر را بپذیریم، روشن نیست منظور دقیق

پيامبر ﷺ از رهبانيت عيسوي چيست، چون رهبانيت معروف كه بر كناره گيري از مردم و ترك لذات حلال مبتني است با مباني فطري اديان الهي سازگاري ندارد. (نك: سخن امام علي عليه السلام خطاب به علاء و عاصم، شريف الرضي، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۰۹) بنا بر اين با شواهد و قرين موجود در كتاب و سنت نمي توان به طور قطع، هر نوع رهبانيتي را از شرايع و به خصوص شريعت عيسوي حذف كرد بلكه بايد تلقى صحيح از آن را جستجو كرد.

ملا صالح مازنداراني نيز پس از تعريف رهبانيت ثابت و سيار بر اساس رياضت هاي سخت مي نويسد: «رهبانيت و سياحت در شريعت حضرت عيسى عليه السلام به سبب استحسان (مسيحيان اوليه) بوده است. (مازندراني، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۱۵۳)

۱-۲. حديث پژوه معاصر اهل تسنن ضمن بيان صحت سندی حديث نبوی «تزوجوا فانی مكاثر بكم الأمم يوم القيامة، ولا تكونوا كرهبانية النصارى» و بيان منابع آن در تحليل محتوایی حديث برای اثبات صحت عبارت «ولا تكونوا كرهبانية النصارى» به حكايه كناره گيري عثمان بن مظعون از مردم و تذكر دو يا سه باره رسول خدا ﷺ به ايشان اشاره مي كند و سخن رسول خدا را از كتاب طبقات ابن سعد اينچنين نقل مي كند: «يا عثمان إن الله لم يبعثني بالرهبانية (مرتین أو ثلاثا) و إن خير الدين عند الله الحنيفية السمحة». وی در ادامه با آوردن مضمون این حکایت از منابع دیگر و تحلیل سندی و محتوایی آن ها می نویسد: «وبالجملة فالحدیث بهذه الشواهد صحیح عندی. والله أعلم.» (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۸۵-۳۸۸) همه عبارات به کار گرفته شده از پيامبر ﷺ توسط اين محقق، بر نقي هر گونه رهبانيت ثابت و سيار (سياحت) و تبتل (مجرد بودن) از اسلام دلالت دارند.

این حديث پژوه همچنين حكايه تذكر رسول خدا ﷺ به عثمان بن مظعون را با عبارات «يا عثمان إني لم أومر بالرهبانية أرغب عن ستي؟! قال: لا يا رسول الله. قال: إن من ستي أن أصلي وأنام وأصوم وأطعم وأنكح وأطلق، فمن رغب عن ستي فليس مني، يا عثمان إن لأهلك عليك حقا ولنفسك عليك حق» كه در صحيح دارمي آمده است، صحيح مي داند. (دارمي، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۵۲۰؛ البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۵۰)

۱-۲.۷. حديث نبوی معروف «لا رهبانية في الاسلام» در مجامع شيعی فقط در دعائم

الاسلام مغربی آمده که در آن علت نهی حضرت از رهبانیت، جلوگیری از ازدواج نکردن مسلمانان و در نتیجه عدم ازدیاد مسلمانان بیان شده است. پیامبر ﷺ مردان و زنان را از عدم ازدواج و مجرد زیستن نهی کرد. (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۹۳)

طبق نظر محققان، این عبارت نقل به معنای سخنان پیامبر ﷺ به عثمان بن مظعون است که اولین بار در شیعه، ابن حیون مغربی و در اهل تسنن ابن سعد در الطبقات آن را بدین صورت نقل کرده‌اند. (بدوی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۲۴؛ جعفری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۷) ابن حجر عسقلانی هم می‌گوید: حدیث «لا رهبانیه فی الاسلام» را به این لفظ ندیدم ولی در حدیث سعد بن ابی وقاص که طبرانی آورده، این گونه آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «ان الله ابدلنا بالرهبانیه الحنیفیه السمحه». (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۱۱۱)

۱-۲. ابو داود سجستانی از پیامبر ﷺ نقل کرده است: بر خودتان سخت نگیرید که خدا بر شما سخت می‌گیرد. به راستی گروهی بر خودشان سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت. پس اینان بقایای آنان در صومعه‌ها و دیرها هستند (خدا فرمود): رهبانیتی که آن را اختراع کردند، ما آن را بر آن‌ها واجب نکردیم. (سجستانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۷)

اصل این حدیث توسط بخاری و بسیاری دیگر از دانشمندان اهل تسنن نیز نقل شده است و از جهت سندی آن را صحیح دانسته‌اند. (نک: هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۲۵۶؛ البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۲-۳۳۷)

۱-۲. ۹. در منابع اهل تسنن با سندهای متعدد، یکی از مصادیق آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف یعنی زیان‌کارترین مردم که کوشش آن‌ها در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند، به نقل از حضرت علی رضی الله عنه و دیگران، راهبانی هستند که خودشان را در صومعه‌ها حبس کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۲۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۳) البته در مجامع شیعی نیز از جمله مصادیق آیه شریفه، کشیش‌ها و راهبان مسیحی ذکر شده‌اند. (نک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶)

بررسی سندی

این مضمون با سندهای گوناگون مانند «حدثنا یونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال:

سمعت حیوة یقول: ثنی السکن بن ابی کریمه، عن أمه أخبرته أنها سمعت عبدالله بن قیس یقول: سمعت علی بن ابیطالب» در تفسیر طبری نقل شده که با توجه به وثاقت راویان آن از جهت اهل تسنن صحیح و معتبر است؛ چنان که ابن حجر هم در کتاب فتح الباری از آن‌ها بهره جسته است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۸، ص ۴۲۵)

چون در این احادیث اخیر راهبان مسیحی از جهت انحراف شبیه فرقهٔ خوارج پنداشته شده‌اند که اعمالشان پذیرفته نمی‌شود، به نظر می‌رسد این احادیث بر نفی شرک طاعتی در مسیر پرورگار تأکید می‌کند؛ یعنی رهبانیتی خوب است که در مسیر پیروزی از پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ و هدایت و ارشاد ایشان صورت پذیرد و نه اینکه سلیقه‌ای باشد.

با توجه به احادیث یادشده و صحت سندی و محتوایی آن‌ها تردیدی در نفی رهبانیت انحرافی مسیحی از دین اسلام باقی نمی‌ماند.

۲-۲. بیان مصادیق رهبانیت نکوهیده مانند ترک ازدواج، ترک خوردن و ترک اجتماع

در بسیاری از روایات از رهبانیت انحرافی برخی از مسیحیان بر حذر شده است. از جمله حکایت پیش گفته تذکر پیامبر ﷺ به عثمان بن مظعون در منابع فریقین و حدیث «تزوجوا فانی مکائر بکم الأمم یوم القیامة، ولا تکنوا کرهبانیه النصارى» از مجامع اهل تسنن که صحت سندی آن ذکر شد (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۸۸) نشان می‌دهد یکی از مصادیق رهبانیت نکوهیده مسیحیان ترک ازدواج بوده است. در حدیث ذکر شده توسط مغربی از مصادیق اصلی رهبانیت نکوهیده ترک ازدواج بیان شد. (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۹۳) کلینی نیز بابتی تحت عنوان «کراهیه الرهبانیه و ترک الباه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۶) و در آن شش حدیث ذکر کرده است. از نامگذاری باب مشخص است که تأکید او بر احادیثی است که به ازدواج و امور زناشویی تأکید می‌کند و ترک ازدواج را مصداق اصلی رهبانیت غیر صحیح می‌داند. از شش حدیث جز حدیث اول که در عنوان قبل به آن اشاره شد، هیچ کدام به اصطلاح رهبانیت اشاره ندارد، بلکه به مصادیق مفهوم غیر صحیح آن پرداخته و پنج حدیث به پیامبر ﷺ ارجاع داده شده است. در حدیث ۵ از مصادیق رهبانیت مذموم علاوه بر

ترک لذت ازدواج و مجامعت، به ترک خوردن گوشت و ترک استعمال عطر نیز اشاره شده است.

از علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که حضرت علی علیه السلام، بلال و عثمان بن مظعون هم سوگند شدند که به ترتیب یکی هرگز شب نخوابد، دومی همیشه روزها روزه باشد و سومی ازدواج یا کار زناشویی نکند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه عایشه از همسر عثمان از ماجرا مطلع شد، دستور داد مردم در مسجد جمع شوند و منبر رفت و پس از حمد الهی به اینان هشدار داد که چرا از سنت او روی برگردانده اند. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۰)

بررسی سندی

این حدیث چون از مرسلات ابن ابی عمیر است، می توان آن را معتبر دانست. (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۶)

شبهه این مطلب در منابع اهل تسنن از طرق بسیار نقل شده است مبنی بر اینکه آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طبیبات ما أحل الله لکم ولا تغتدوا إن الله لا یحب المعتدین» (مائده: ۸۷) در پاسخ به تصمیم عده ای از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله به مصادیق رهبانیت غیر صحیح نازل شده است. (طبری، ۴۱۲ق، ج ۷، ص ۸۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۰۷) مضمون این داستان در صحیح بخاری و صحیح مسلم هم بدون اشاره به آیه آمده و از جهت سندی صحیح قلمداد شده است. (نک: البانی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۹۳)

با اینکه سند حدیث منقول در تفسیر قمی معتبر است و روایات منابع اهل تسنن هم تأییدی بر صحت اصل ماجراست، از جهت محتوایی تسری عملکرد یا قصد برخی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام در آن متن در عصمت حضرت علی علیه السلام اشکال ایجاد می کند. بنابراین بعید نیست برخی از متن های موجود از این حدیث از سخنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به عثمان بن مظعون در مورد نفی رهبانیت، به طور غیر صحیح برای پایین آوردن شأن حضرت علی علیه السلام نقل به معنا و تحریف شده باشد. شاید هم دلالت متن حدیث از باب توریه است و پیامبر صلی الله علیه و آله از باب «ایاک اعنی واسمعی یا جاره» سخن می گوید و مثلاً اصل مطلب این بوده که حضرت علی علیه السلام، بلال و عثمان بن

مظعون قصد کردند به ترتیب خواب‌بارگی، شکم‌بارگی و زن‌بارگی را از خود تا می‌توانند دور کنند که این مدح برای سه صحابهٔ جلیل‌القدر است ولی اطرافیان از این قصد و فعل اخلاقی آنان انجام ریاضت‌های غیر مشروع را برداشت کرده‌اند و لذا برای اصلاح فکر مردم آیهٔ یادشده نازل می‌شود و پیامبر ﷺ هم در این باره سخن می‌گوید. به هر حال دلالت متن حدیث نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در دو روایت دیگر منقول از پیامبر ﷺ که خطاب به عثمان بن مظعون نقل شده، آن حضرت به ترتیب از اخته کردن به‌عنوان رهبانیت نادرست و از سیاحت و زندگی کردن در کوه‌ها بر حذر داشته است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۱، ج ۶، ص ۱۲۲)

بررسی سندی

این دو حدیث هر دو مجهول و ضعیف هستند. اولی به‌دلیل مجهول بودن عبدالله بن جابر و دومی به‌دلیل مجهول بودن ضرار بن عمرو شمشاطی و سعد بن مسعود کنانی. (نک: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۵۰۶، ج ۹، ص ۳۲۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۰۱، ج ۱۰، ص ۱۱۶، ج ۹، ص ۶۴)

احمد بن حنبل از ابوذر نقل می‌کند که گفت: مردی به نام عکاف بر پیامبر ﷺ وارد شد. پیامبر ﷺ به او فرمود: آیا همسر داری؟ گفت: نه. پیامبر فرمود: آیا کنیزی داری؟ گفت: نه. فرمود: آیا مال داری؟ گفت: من مال دارم. پیامبر ﷺ فرمود: پس تو در این صورت از برادران شیطان‌ها هستی. اگر در میان مسیحیان بودی از راهبان آنان بودی. همانا سنت ما ازدواج است. افراد عزب شما بدترینتان هستند... وای بر تو ای عکاف! ازدواج‌کنندگان هم صحبت ایوب و داود و یوسف و کرسف هستند... وای بر تو ای عکاف! ازدواج کن و اگر نه از گناهکاران خواهی بود. عکاف گفت: ای رسول خدا مرا تزویج نما. پیامبر ﷺ فرمود: تو را به کریمه دختر کلثوم حمیری تزویج کردم. (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۳-۱۶۴)

طرق و اسناد این حدیث به‌دلیل مشخص نبودن یک راوی در مسند احمد بن حنبل و عدم توثیق راویان اسناد آن مثل مکحول، معاویه بن یحیی صدفی، بقیة بن ولید و خالد بن اسماعیل مخزومی در سایر طرق، مجهول یا ضعیف قلمداد شده است. (هیشمی ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۶-۲۱) وجود غلو در متن

حدیث در بیان ارزش ازدواج، صحت محتوای حدیث را نیز دچار تردید می‌سازد.

۳-۲. بیان مصادیق رهبانیت پسندیده

در روایات بسیار از فریقین از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام برای رهبانیت امت اسلامی مصادیقی ذکر شده که از آن جمله است:

الف. حضور در نماز جماعت، نشستن در مساجد و منتظر نماز جماعت بودن.
از پیامبر ﷺ خطاب به عثمان مظعون (در ادامه حدیث پیش گفته) جهاد و حضور در غزوات به‌عنوان سیاحت امت رسول خدا ﷺ و جایگزین اخته کردن معرفی شده است و نشستن در مساجد و انتظار نماز پس از نماز و نیز روزه از مصادیق ترهّب و گوشه‌گیری صحیح ذکر شده است. (همان‌جا)

کلینی از امام صادق علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «الْاِتِّكَاءُ فِي الْمَسْجِدِ رَهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ اِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَ صَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۲)

بررسی سندی

سند حدیث چنین است: «عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص.» وثاقت راویان سند این حدیث روشن است جز اسماعیل بن ابی زیاد سکونی که غیر امامی است و با اینکه رجالیان متقدم به وثاقت وی تصریح نکرده‌اند، متأخران به دلایلی از جمله اعتماد علمای شیعه به احادیث وی او را ثقة دانسته‌اند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰-۱۱) بنابراین حدیث از جهت سندی موثق و معتبر است.

مجلسی می‌گوید: ظاهر این حدیث مذمت تکیه دادن در مسجد است؛ یعنی همان طور که رهبانیت را مسیحیان بدعت نهادند، تکیه کردن در مسجد هم از بدعت‌های عرب‌هاست و احتمال هم دارد که مدح باشد چنان‌که مخفی نیست. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۵۶۵) ملا صالح مازندرانی معنی آن را نشستن و ماندن در مسجد به انتظار نماز و سایر اطاعات جایگزین ریاضت‌های سخت مسیحیان شمرده و سیاق حدیث را مدح دانسته است. (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱، ص ۱۲۰) مغربی به جای «الائتکاء» واژه «الجلوس» یعنی نشستن را در حدیث آورده است (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۴۸)

و این نشان می‌دهد وی در نقل به معنا ابایی نداشته است.

نگارندگان نیز با توجه به سفارش پیامبر ﷺ به عثمان بن مظعون به نماز جماعت پس از نفی رهبانیت، و حدیثی که پس از این از احمد بن حنبل خواهد آمد و شاهدی دیگر بر این مدعاست، مدح را در حدیث یادشده ارجح و با توجه به سیاق حدیث، متن آن را نشانگر تناسب ایمان با حضور در مجالس اجتماعی و رسیدگی به امور خانواده می‌دانند.

ب. جهاد در راه خدا

علاوه بر احادیث مربوط به عثمان بن مظعون، در احادیث دیگر از شیعه و اهل تسنن نیز، جهاد از مصادیق مهم رهبانیت در شریعت خاتم ﷺ و رهبانیت عرب ذکر شده است. البانی یکی از احادیث صحیح جامع حدیثی اش را حدیثی می‌داند که در ضمن آن عبارت «و علیک بالجهاد، فإنه رهبانیه الاسلام» از مسند ابن حنبل از پیامبر ﷺ نقل شده است. (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۸۲ و ۲۶۶؛ البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۵-۹۶) عبارت یادشده از رسول خدا ﷺ خطاب به ابوذر در منابع فریقین ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۱؛ طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۱۵) طبرانی نیز در حدیثی سیاحت امت را جهاد و رهبانیت امت را ایستادگی و صف آرایی در برابر دشمن برمی‌شمارد، «إن لكل أمة سیاحة، و إن سیاحة أمتی الجهاد فی سبیل الله عزوجل، و إن لكل أمة رهبانیه، و رهبانیه أمتی الرباط فی نحور العدو.» (طبرانی، بی تا، ج ۸، ص ۱۶۸ و ۱۸۳) این حدیث از جهت سندی ضعیف شمرده شده است. (البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۶۱) به هر حال بیان این مفهوم در احادیث صحیح سندی دیگر برای اثبات صحت موضوع کفایت می‌کند و موارد دیگر برای تأیید و تبیین بیشتر مفید است.

احمد بن حنبل نقل کرده است که یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ در یکی از جنگ‌ها از مردی که در غاری با مقداری آب بود عبور کرد با خود گفت که در آن غار بماند و غذای او از آن آب و باقالی‌های اطرافش باشد و از دنیا بریده شود. آن صحابی تصمیم گرفت از پیامبر ﷺ اجازه بگیرد. ولی پیامبر در پاسخ او فرمود: من با دین یهودی و مسیحی برانگیخته نشده‌ام و لیکن با دین فطری آسان مبعوث شده‌ام. قسم به آن‌که جان

محمد در دست اوست یک صبح و یا یک شام در راه خدا خارج شدن (به جهاد) از دنیا و آنچه در آن است بهتر است و بی شک ایستادن یکی از شما در صف اول نماز جماعت از شصت سال نماز در خلوت بهتر است. (قرطبی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۷، ص ۲۶۵)
البانی صحت سندی این حدیث را پذیرفته است. (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۰۲۲-۱۲۰۷)

در حدیث دیگری پیامبر ﷺ خطاب به ابن مسعود رهبانیت امت اسلام را هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره برمی شمارد. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۶) این حدیث چنان که خواهد آمد از جهت سندی ضعیف است.
بر اساس آیات قرآن و روایات، ویژگی اصلی سالک و راهب حقیقی جهاد در راه خدا در ابعاد مختلف آن است؛

۱. جهاد با نفس که آن را جهاد اکبر هم می نامند و برخی عبادات به ظاهر دشوار مثل شب زنده داری و روزه گرفتن را که از مصادیق رهبانیت شمرده شده است، می توان نمونه هایی از جهاد با نفس هم دانست. (نازعات: ۴۰؛ ص: ۲۶)

۲. جهاد با دشمنان دین و حضور در جبهه ها. (انفال: ۷۴؛ توبه: ۴۱؛ حج: ۷۸)

۳. جهاد اقتصادی در جهت مبارزه با فقر. (آل عمران: ۱۳۴؛ توبه: ۶۰؛ روم: ۳۹؛ محمد: ۳۸؛ مجادله: ۱۲؛ معارج: ۲۴-۲۵)

۴. جهاد فرهنگی در جهت اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه. (آل عمران: ۱۰۴ و ۲۰۰؛ اعراف: ۱۶۴؛ احزاب: ۳۹؛ تحریم: ۶)

ج. قیام در شب و برپا داشتن نماز شب
در روایات فریقین یکی از علامت های مؤمنان خاص و شیعیان رهبانیت آنان در شب و یا ظهور رهبانیت (خشیت الهی) در چهره آنان ذکر شده است؛ «رهبان باللیل و اسد بالنهار» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲) یعنی رهبانیت مؤمنان در شب و خلوت کردن آنان با پروردگار با حضور مؤثر آنان در اجتماع در روز همراه است و چه بسا یک سبب مهم حضور مؤثر در اجتماع، بهره بردن صحیح از سحرگاهان است. حدیث یادشده از جهت سندی مرفوع و ضعیف است. در روایات اهل تسنن نیز از ویژگی های امت رسول خدا ﷺ «رهبان باللیل لیوث بالنهار» ذکر شده است. (طبری،

۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۴؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۷۱) البانی این حدیث را از جهت سندی ضعیف می‌داند. (البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۲۴۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: به راستی شیعهٔ علی علیه السلام، شکم به پشت چسبنده‌ها (از روزه و کم‌خوری)، لب‌خشک‌ها، اهل رأفت و دانش و بردباری هستند و به رهبانیت شناخته می‌شوند، بدان عقیده‌ای که دارید، با تقوا و تلاش بسیار کمک کنید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳)

سند حدیث چنین است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع». که با توجه به اتصال سند و وثاقت روایانش صحیح است.

در احادیث دیگری آشکار شدن رهبانیت در چهره‌ها از خصال شیعیان، برادران علی علیه السلام و محبان واقعی اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۵۶۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۳۲۶)

سند حدیث منقول از کافی به دلیل وجود «ابویوب عطار» در سند حدیث مجهول است (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۲، ص ۲۵) ولی سند حدیث منقول از *امالی* صدوق که چنین است: «حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع» صحیح است.

علامه مجلسی در معنای رهبانیت در این احادیث دو احتمال می‌دهد: ۱. ظهور آثار خوف الهی و خشوع و ترک دنیا؛ ۲. نماز شب بر اساس روایات. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۴۰-۲۴۱)

کلینی و صدوق از ابوالحسن علیه السلام که (به فرمودهٔ مجلسی اول، مراد امام کاظم علیه السلام و یا امام رضا علیه السلام هست) نقل کرده‌اند که ذیل آیهٔ «رَهْبَانِيَّةٌ ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ اِلاَّ اِثْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» (حدید: ۲۷) فرمودند: صَلَاةُ اللَّيْلِ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۲)

بررسی سندی

این حدیث از جهت سندی در من لایحضره الفقیه به دلیل عدم اتصال سند و در

سایر کتب به دلیل مجهول بودن محمد بن علی بن ابی عبدالله مجهول و ضعیف است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۲۴۲)

مجلسی اول ذیل آیه و حدیث اشاره دارد که ظاهراً رهبانیت از سنت‌های پسندیده بوده که اصل آن ثابت بوده و ممکن است که رهبانیت مستحب بوده و آن را با نذر یا چیزی شبیه آن بر خود واجب گردانیده باشند چنان‌که از عبارات آیه فهمیده می‌شود و اینکه در حدیث آمده صَلَاةَ اللَّیْلِ یعنی بدعتی که کرده‌اند برپا داشتن نماز شب است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۷۵؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۸۴)

علامه مجلسی اشاره دارد که یک قول در معنای حدیث این است که یعنی ما رهبانیت را بر آن‌ها مقرر نکردیم مگر وقت طلب رضای خدا که آن زمان نماز شب است. (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۸۴)

بر این اساس مراد از رهبانیت صحیح همان تهجد در سحرها و نماز شب است. بنابراین در حدیث یادشده، مفهوم رهبانیت در آیه ۲۷ سوره حدید به تهجد و نماز شب تزییق می‌یابد.

د. هجرت در راه خدا، حج، روزه و سایر عبادات

در برخی روایات از جمله در حدیث منقول از پیامبر ﷺ به ابن مسعود که نقل مفصل آن خواهد آمد، آن حضرت هجرت در راه خدا، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره را رهبانیت امت خویش بیان کرده‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۶)

مهدی نراقی پس از ستودن راهبان مسیحی بر اساس آیات ۸۲ سوره مائده و ۲۷ سوره حدید، پاسخ رسول خدا ﷺ را در قبال دینداران در مورد رهبانیت این‌گونه نقل می‌نویسد: «أبدلنا بالرهبانية الجهاد والتكبير على كل شرف؛ یعنی الحج - وابدلنا بالسياحة الصوم.» (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۶) مبلغان حج و زیارت به این حدیث بسیار استناد می‌کنند. ولی این حدیث جز در کتاب جامع السعادات در هیچ منبع حدیثی ذکر نشده است و احتمالاً نقل به معنای ایشان بر اساس احادیث دیگر از جمله حدیث پیامبر ﷺ به ابن مسعود باشد.

۲-۴. شناخت راهبان واقعی یا غیر واقعی قبل و بعد از اسلام

چنان‌که گذشت بر اساس آیات ۳۱ و ۳۴ سوره توبه عده‌ای از راهبان و دانشمندان

یهودی و مسیحی در پی مطامع دنیوی در این منصب وارد شده‌اند. برقی از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۳۱ توبه نقل می‌کند که فرمود: «وَاللّٰهُ مَا صَلَّوْا لَهُمْ وَ لَآ صَامُوْا وَ لَكِنَّهُمْ اَحْلَوْا لَهُمْ حَرَامًا وَ حَرَّمُوْا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَاتَّبَعُوْهُمْ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۴۶) این مضمون در مجامع روایی شیعه به اشکال مختلف نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۲۴۶) و انحراف عده‌ای از راهبان را در تغییر احکام دین نشان می‌دهد.

بررسی سندی

حدیث یادشده چون یک راوی از آن افتاده به ظاهر ضعیف است ولی در جای دیگر سند کامل بدین شرح آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ اَصْحَابِنَا عَنْ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ اَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ اَبِي بَصِيْرٍ عَنْ اَبِي عَبْدِاللهِ ع» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۸) علاوه بر صحت سند یادشده این مضمون با سند «مُحَمَّدُ بْنُ اِسْمَاعِيْلَ عَنْ اَلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ اَبِي بَصِيْرٍ عَنْ اَبِي عَبْدِاللهِ ع» هم آمده که آن هم صحیح است. (همان، ج ۱، ص ۵۳)

از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که سلمان فارسی در ازای خدمت به برخی راهبان مسیحی با راهبی در شام از فرزندان حواریون آشنا شد و او را به راهبی دیگر در روم ارجاع داد و این راهب اخیر سلمان را به ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رهنمون شده است. (عده‌ای از علما، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۱-۳۰۲) این حدیث از اصل عبدالملک بن حکیم روایت شده است که خود اصل در حد بالای اعتبار بوده ولی به دلیل عدم توثیق جعفر بن محمد بن حکیم (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۲-۵۳، ج ۱۲، ص ۱۲) در طریق شیخ طوسی به اصل یادشده، نمی‌توان احادیث آن را صحیح دانست.

بر اساس روایات هم راهبان باتقوا و واقعی بوده‌اند و هم راهبان بی‌تقوا که اهل بیت علیهم السلام ما را از شبیه آنان در امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بر حذر می‌دارند. در نامه ابو جعفر امام جواد علیه السلام به سعد الخیر آمده است: «اشباه دانشمندان و راهبانی را که کتاب را کتمان و تحریف کردند و تجارت آنان سودمند نبود و هدایت شده نبودند، بشناس. سپس اشباه آنان را از این امت که حروف و ظاهر کتاب را برپا داشتند، ولی حدود و معانی آن را تحریف کردند بشناس. پس آنان با رؤسا و بزرگان (در سلطنت دنیوی)

همراه‌اند و هرگاه جدا شوند پیشوای خواهش‌های نفسانی هستند. همراه بیشتر آنان (مظاهر) دنیاست و آن (محدودهٔ دنیوی) نهایت علم آنان است، پیوسته در مُهر (خذلان الهی) و طمع هستند و صدای ابلیس از زبانشان به بسیاری از امور باطل شنیده می‌شود...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۴)

بررسی سندی

این حدیث دو سند دارد که هر دو ضعیف است؛ اولی به دلیل مشخص نبودن راوی از معصوم و مجهول بودن یزید بن عبدالله و احمد بن محمد بن عبدالله و دومی به دلیل تضعیف حمزة بن بزیع. (نک: خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۸۷، ج ۳، ص ۵۴-۵۶، ج ۷، ص ۱۹۹-۲۰۰)

تعبیر «أَشْبَاهُ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ» در این حدیث روشن می‌کند که راهبان و دانشمندانی در دین هستند که واقعی و الهی هستند و در مقابل به تعبیر قرآن اکثراً غیر واقعی‌اند که برای رسیدن به مناصب دنیوی خود را شبیه این دو دسته نشان می‌دهند و در این حدیث امام علیه السلام پیروانش را به شناخت راهبان و دانشمندان غیر واقعی امر می‌کند تا خود و دیگران را از گمراهی نجات دهند.

۵-۲. زمینه‌های پیدایی رهبانیت مسیحی

بر اساس آیه ۲۷ سورهٔ حدید، رهبانیت به طور کلی در میان مسیحیان فراگیر نبوده است، بلکه آنان این عمل را بدعت کرده‌اند. طبرسی (م ۵۴۸ق) ذیل آیه ۲۷ سورهٔ حدید از ابن مسعود نقل می‌کند: «من کنار پیغمبر صلی الله علیه و آله بر الاغی سوار بودم. پس آن حضرت فرمود: ای پسر امّ عبد آیا میدانی از کجا بنی‌اسرائیل رهبانیت را اختراع کردند؟ گفتم خدا و رسول او داناتر است. فرمود: بعد از عیسی بن مریم علیه السلام بر بنی‌اسرائیل ستمکارانی مسلط شدند که به معصیت خدا رو آوردند. پس اهل ایمان خشمگین شده، با آن‌ها مقاتله و پیکار کردند. سه مرتبه اهل ایمان از ایشان شکست خورده، جز اندکی فراری شدند و گفتند اگر ما بر این گروه ستمکار نمایان شویم ما را نابود می‌کنند و برای دین یک نفر هم باقی نخواهد ماند تا دعوت به سوی آن کند. پس بیایید در روی زمین پراکنده شویم تا خداوند پیامبری را که عیسی علیه السلام به ما وعده داد مبعوث کند و مقصودشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود، پس در میان غارهای کوه‌ها پراکنده

شدند و رهبانیت را اختراع کردند. بعضی از آن‌ها به‌دینش متمسک گردیده، برخی هم کافر شدند. سپس این آیه را تلاوت کرد: *وَرَهْبَانِيَّةٍ ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ*، تا آخر آیه، سپس فرمود: ای پسر ام عبد آیا می‌دانی رهبانیت امت چیست؟ گفتم خدا و پیامبرش داناترند. فرمود: هجرت در راه خدا و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۶)

طبرسی این مضمون را در حدیث دیگری از ابن مسعود با تعابیر دیگری نقل می‌کند که احتمالاً حدیث دوم نقل معنایی از همان حدیث اول باشد و یا برعکس چون مضمون و راوی هر دو حدیث یکی است. فقط در انتهای حدیث دوم پیامبر ﷺ عدم رعایت حق رهبانیت را همان ایمان نیاوردن و پیروی نکردن راهبان مسیحی از ایشان در زمان نبوت خویش دانسته و می‌فرماید: «من آمن بی و صدقنی و اتبعنی فقد رعاهها حق رعایتها و من لم يؤمن بی فأولئك هم الهالكون».

حدیث اول فقط در مجمع‌البیان آمده و مجلسی آن را دو بار در بحار الانوار نقل کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۷۷، ج ۶۵، ص ۳۲۰) در منابع اهل تسنن نیز در تفسیر قرطبی (م ۶۷۱ق) شبیه آن با اندکی اختلاف آمده است. او می‌گوید: این روایت را کوفیان از ابن مسعود نقل کرده‌اند. (قرطبی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۷، ص ۲۶۶) حدیث دوم را برخی دیگر مثل طبری، ابن ابی حاتم، ترمذی، ابویعلی، حاکم نیشابوری و ثعلبی هم روایت کرده‌اند. (نک: ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۶۱-۶۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۷۷) این دو حدیث در کتب اولیه شیعه وجود ندارد و طبرسی از اهل تسنن نقل می‌کند. هیشمی در مجمع‌الزوائد، سند حدیث را از جهت عده‌ای مثل احمد بن حنبل صحیح می‌داند، ولی خود آن را ضعیف دانسته است. (هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۶۰-۲۶۱) البانی نیز سند موجود در بیشتر کتاب‌ها از جمله مستدرک حاکم نیشابوری به دلیل ضعیف بودن عقیل جعدی با اشاره به سخن ذهبی در این مورد، بسیار ضعیف می‌داند. (البانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹) البته وی اشاره دارد که طبرانی سند دیگری برای این حدیث آورده که بهتر است. (همان‌جا؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۷۱)

آنچه در این دو حدیث به‌عنوان انگیزهٔ ایجاد رهبانیت آمده است، بر اساس قراین دیگر مثل داستان اصحاب کهف در عهد دقیانوس و گزارش‌های مربوط به تاریخ

مسیحیان، می‌تواند تا حدودی قابل قبول باشد، ولی اینکه حقی بروسوی روایت می‌کند که پس از غرق شدن فرعونیان عده‌ای از ساحران مؤمن به حضرت موسی علیه السلام در کوه‌ها با آن حضرت طریق رهبانیت را در پیش گرفتند و رهبانیت با وفات حضرت موسی قطع شد تا دوباره پس از حضرت عیسی توسط مؤمنان خاص ایجاد شد، احتمالاً از روایات برساخته صوفیان است، چون در کتب روایی متقدمان یافت نشد. (حقی بروسوی، بی تا، ج ۹، ص ۳۸۲-۳۸۳)

۲-۶. مواجهه راهبان با اهل بیت علیهم السلام یا صحابه

در آیات قرآن و احادیث، نمونه‌های بسیاری از برخورد یهود و نصاری با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. نمونه قرآنی آن واقعه مباحله است. (آل عمران: ۵۹-۶۲) در روایات این گفت‌وگوها و تعاملات صدها روایت را در بر دارد. برخی از آن‌ها را می‌توان در کتاب احتجاجات بحار الانوار مشاهده کرد. (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۶۹ و ۲۸۳، ج ۱۰، ص ۱، ۵۲، ۶۹، ۱۴۹، ۲۳۴، ۲۹۹ و ۳۴۱) بسیاری از این گفت‌وگوها به برخورد راهبان و دانشمندان یهودی و مسیحی با اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد. بر اساس این روایات و نقل‌های تاریخی برخی از راهبان، حق طلب بوده، پس از مشاهده آثار علم و کمال از اهل بیت علیهم السلام مسلمان شده‌اند. در ذیل دو نمونه بیان می‌شود:

نمونه اول: بحیرای راهب در مسیر شام با کاروان قریش برخورد کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرد و از شأن و جلالت و نبوتش خبر داد. (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲۴؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۸) تفصیل این قصه علاوه بر کتب حدیثی در کتب سیره و تاریخ بیشتر آمده است. (برای نمونه نک: ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۷۳-۷۶) به نظر می‌رسد با توجه به شهرت مطلب در آثار گوناگون فریقین، اصل داستان چندان به بررسی سندی نیاز ندارد.

نمونه دوم: کلینی نقل می‌کند راهبی مسیحی همراه زن راهبه از نجران به خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام رسید. پس از استقرار در زمان و مکان مشخص، ابتدا زن راهبه از امام پرسش‌های زیادی کرد و امام پاسخ داد، ولی او از پاسخ پرسش‌های امام بازماند و مسلمان شد. سپس مرد راهب از امام سؤالاتی کرد و پس از شنیدن پاسخ، به

امام شرح حال خود را در سفرش به هند و دیدارش با آن راهب که او را به مقامات آل محمد علیهم‌السلام که همان بیت‌المقدس معنوی هستند متذکر ساخته، بازگو کرد و گفت: آن راهب مرا به مدینه محمد علیهم‌السلام به نام طیبه در پی پیرمردی که در خانه‌ای بوریابافی می‌کند فرستاده است و از من خواست از او از هرچه بوده و از هرچه خواهد بود و از دستورات دینی پیامبران قبل و بعد بپرسم. امام علیه‌السلام فرمود: بی‌شک این رفیقی که دیدار کردی، تو را اندرز داده، برای تو خیرخواهی کرده است و فرمود: او متمم بن فیروز، نام دارد و از نژاد فارسیان است و او از کسانی است که به خدای بی‌همتا ایمان دارد و از روی خلوص و یقین او را پرستیده است و چون از قوم خود بیم داشته، گریخته، پروردگارش به او حکمتی آموخته، به راه راست هدایت کرده، او را از متقیان ساخته، میان او و بندگان مخلص خود، شناسایی انداخته است. (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۱—۴۸۴)

این حدیث گرچه به دلیل تضعیف ابوسمینه محمد بن علی توسط رجالیان از جهت سندی ضعیف است (نجاشی ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۲)، محتوایش شاهدی بر صحت حدیث پیش‌گفته در موضوع دلیل ایجاد رهبانیت یعنی گریختن به مکان‌های امن است و نشان می‌دهد راهبان واقعی تابع شریعت انبیاء علیهم‌السلام بوده‌اند و رهبانیت آنان سلیقه‌ای نبوده است.

۳. بررسی و نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش حاضر، رهبانیت از جنبهٔ درونی و عاطفی انسان به معنی حضور گونه‌ای از ترس مستمر الهی در قلب طالبان حقیقت و سالکان به سوی خداست که اثر آن بر چهرهٔ راهب نمایان می‌شود و خاستگاه آن علم و معرفت راهب است. بدون تردید، این مفهوم از رهبانیت در ادیان الهی ممدوح بوده و چه بسا با برخی از ریاضت‌های مشروع از جمله خلوت‌گزینی در جهت تهذیب نفس همراه بوده است. بی‌شک همواره افرادی هم بوده‌اند که راهب واقعی و خداترس نبوده‌اند بلکه راهب‌نما بوده‌اند و از این منصب برای مطامع دنیوی تلاش می‌کرده‌اند. بر این اساس، قرآن و روایات مؤمنان را از عالمان و راهبان غیرواقعی و منحرف برحذر داشته است. بر اساس شواهد تاریخی، قرآنی و روایی آنچه سبب شده رهبانیت از مفهوم

اصلی اش خارج شود و به انحراف رود، حوادثی تاریخی در میان مسیحیان بوده که در اثر آن قبل از ظهور اسلام برخی از پیروان حضرت عیسی علیه السلام برای حفظ دین و جان خویش، ناچار می‌شوند به مکان‌های دوردست و امن هجرت کنند. بر اساس گزارش آیه ۲۷ سوره حدید و روایات ذیل آن، در این حوادث تاریخی پیروان حضرت عیسی علیه السلام گونه‌ای از رهبانیت را بر خود واجب کرده بودند که پسندیده بوده است ولی به مرور، به انحراف رفته و حدود آن رعایت نشده است؛ یعنی برخی از راهبان مسیحی حدود رهبانیت را رعایت نکردند و به افراط روی آوردند.

برای گونه‌شناسی دقیق‌تر روایات در موضوع رهبانیت پیش از تحلیل محتوا، احادیث از جهت سندی اعتبارسنجی شد و روشن شد که با وجود تعداد قابل توجهی از احادیث صحیح سندی از منابع معتبر و اصیل فریقین در این موضوع تردیدی در نفی رهبانیت مسیحی انحرافی از اسلام باقی نمی‌ماند. همچنین با اینکه از سویی روایات بسیار و به‌ویژه حکایت تذکرات رسول خدا صلی الله علیه و آله به عثمان بن مظعون در برابر رفتار راهب‌گونه ایشان- با تنوع نسبتاً زیاد آن در منابع فریقین هم از جهت سندی و هم از جهت متنی- تأثیر فراوانی را بر ترویج نفی رهبانیت از اسلام هم از جهات نظری و هم از جهات عملی موضوع داشته است؛ از سوی دیگر روایات بسیار دیگر هم به تبیین مرزهای رهبانیت پسندیده از جهت اسلام پرداخته است که صحت سندی تعدادی از آنها برای اثبات موضوع کفایت می‌کند.

از بررسی محتوای روایات در بحث رهبانیت روشن می‌شود عدم رعایت حدود رهبانیت پسندیده می‌تواند موارد زیر باشد:

الف. افراط در دوری از اجتماع و ترک وظایف اجتماعی مثل ازدواج، تشکیل خانواده، حضور در نماز جماعت، رسیدگی به امور مردم و جهاد.

ب. رها کردن عبادت‌های مستحبی که هم در آنها خلوت‌گزینی است و هم به تهذیب نفس و خارج کردن حب دنیا از دل سالک می‌انجامد مثل برپا داشتن تهجد و نماز شب و تغییر دادن آن به ریاضت‌های غیر مشروع.

ج. بی‌توجهی به نیت الهی و حقیقت‌پذیری که شرط اصلی رهبانیت پسندیده است؛ به‌گونه‌ای که برخی از راهبان با ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برخلاف قصد نخستین خویش

به آن حضرت ایمان نیاوردند.

د. محروم کردن خویش از نعمت‌های پروردگار و لذت‌های حلال

حال رهبانیت پسندیده از جهت روایات اسلامی رهبانیتی است که راهب بر اثر معرفت الهی خویش خداترس، خاشع، حقیقت طلب و پیرو حجت الهی زمان خویش است و این ویژگی‌های روحی به بروز خلوت‌گزینی با پروردگار در نیمه‌های شب و استمداد از وی برای حضور مؤثر در اجتماع در روز همچون شیر و شرکت در انواع جهادها در حدّ مقدور بینجامد و البته روزه، حج و هرگونه عبادت دیگری که بر رهبانیت راهب بیفزاید، از مصادیق رهبانیت پسندیده است. و البته در میان این مصادیق جهاد از شهرت و صحت روایی بیشتری برخوردار است و نشان‌دهندهٔ جایگاه وظایف اجتماعی انسان از منظر آموزه‌های اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها

* رویکرد زهد و تصوف در مذهب پروتستان به‌گونه‌ای دیگر و خارج از این مقایسه است. چنان‌که بسیاری از پروتستان‌ها، از جمله پیوریتان‌ها گرچه رو به دنیا دارند، معتقدند که باید با موفقیت در کسب‌وکار، با نمونه بودن در زندگی خانوادگی، با صلابت اخلاقی و تقوای رفتاری در همهٔ شئون زندگی و انجام دادن همهٔ وظایف به‌عنوان فرایض الهی، رضای خدا را جلب کرد. در نظر آنان، هرچه احکام دینی دقیق‌تر اجرا شود و موفقیت در کسب‌وکار و ابتکارات شغلی و حرفه‌ای به وجود آید، نشانهٔ تعلق الطاف الهی و علامت برگزیدگی مؤمن نزد خداست... برای صوفی پروتستان پیوریتن، بیشتر چشم‌پوشی از دنیا مطرح است تا پشت کردن به آن. هدف او رسیدن به آرامش در خداست از راه خاموش کردن نفسانیات تا نور خدا روح او را روشن کند. (فروند، ۱۳۶۲ش، ص ۲۱۱-۲۱۴) از نظر جامعه‌شناس بزرگی چون ماکس وبر، این تغییر نگرش مذهبی از عوامل مهم رشد سرمایه‌داری در اروپا بوده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اسحاق، محمد، سیرهٔ ابن اسحاق، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن حبان، محمد، الثقات، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ق.

۳۳۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۵. ———، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶. ———، لسان المیزان، غزه: مكتبة المطبوعات الاسلاميه، بی تا.
۷. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت: دار صادر، بی تا.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۵ق.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ق.
۱۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۳. البانی، محمد ناصرالدین، ارواء الغلیل فی تخريج احادیث منار السبیل، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۴. ———، سلسله الأحادیث الصحیحة و شیء من فقهها وفوائدها، ریاض: مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
۱۵. ———، سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، ریاض: مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ق.
۱۶. ———، ظلال الجنة فی تخريج السنة لابن أبی عاصم، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۷. آل رسول، سوسن و مسجدی، فاطمه، «قرآن از نگاه دیگر: رهبانیت از منظر قرآن»، بینات، شماره ۸۵، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵-۱۷۸.
۱۸. بحر العلوم، سید محمد مهدی، فوائد الرجالیة، تهران: مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ش.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر صحیح بخاری، بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة، ۱۴۰۷ق.
۲۰. بدوی، عبدالرحمن، تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا پایان سده دوم هجری، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، قم: دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۲۲. جعفری، محمد عیسی، «بررسی روایات نبوی ناظر بر نقد صوفیه»، دو فصلنامه هفت آسمان، (دانشگاه ادیان و مذاهب) شماره ۴۴، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۵-۱۳۶.
۲۳. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۲۵. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، قم: نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۲۶. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسند الدارمی (سنن دارمی)، بیروت: دار البشائر، ۱۴۳۴ق.

۲۷. رازی، فخرالدین، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. زمخشری، محمود، *الکشاف حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. سجستانی ابو داود، سلیمان بن الأشعث، *سنن ابی داود*، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۳۰. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المشور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، *الأمالی*، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۶ش.
۳۳. _____، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۶۲ش.
۳۴. _____، *من لا یحضر الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۱۳ق.
۳۵. _____، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۶ش.
۳۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، قاهره: مکتبهٔ ابن تیمیه، بی تا.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالیه*، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
۴۲. _____، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۳. _____، *فهرست کتب الشیعہ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، قم: مکتبهٔ المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۴۴. عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.
۴۵. فاریاب، محمدحسین، «رهبانیت در آیین مسیحیت»، معرفت (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)، شمارهٔ ۱۳۳، ۱۳۸۷ش، ص ۹۳-۱۰۶.
۴۶. فتاحی، زکیه و پازوکی، شهرام، «رهبانیت در گستره روایات»، فصلنامه تخصصی *عرفان اسلامی*، شمارهٔ ۳۲، ۱۳۹۱ش، ۴۱-۱۳.
۴۷. فروند، ژولین، *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیکان، ۱۳۶۲ش.
۴۸. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۳۳۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۵۱. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی- الأصول و الروضه، تهران: المكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۲ق.

۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۵۳. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل رسول، تصحیح رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۵۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۵۶. مهدی زاده، علی، «رهبانیت مسیحی در شرق»، مقالات و بررسیها (ادیان و عرفان، دانشکده الهیات دانشگاه تهران)، ۱۳۶۸ش، ص ۱۶۹-۱۸۸.

۵۷. موسوی، سید ابوالفضل و فنایی اشکوری، محمد، «ریاضت و حدود مشروع آن در احتجاجات معصومین (علیه السلام) با متصوفه زمانشان»، ادیان و عرفان، سال چهل و هشتم، شماره ۱، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۹-۱۶۱.

۵۸. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.

۵۹. ناصری، محمود و احمدپور، علی، «ریاضت: اقسام، درجات و مراتب آن»، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۹۵ش، ص ۹۵-۱۱۷.

۶۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش.

۶۱. نراقی، مهدی، جامع السعادات، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.

۶۲. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی